

بازنمایی گفتمان- ایدئولوژی دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش

سید بهروز موسوی بهیید

دانشجوی دکتری، گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

احمدعلی حسابی^۱

استادیار گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

نبی اله ایدر

استادیار گروه جامعه‌شناسی سیاسی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸

چکیده

یکی از مهم‌ترین اهداف و شاخصه‌های نظام آموزشی، از زمان تحقق جمهوری اسلامی ایران، ایجاد و بسط گفتمان ایدئولوژیکی در ساحت جامعه بوده است. به‌طوری‌که تاریخ این نهاد، پس از انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد تحولات گسترده‌ای در آن صورت گرفته است. این تغییرات متأثر از تغییر و تحول گفتمان‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران و در چارچوب گفتمان- ایدئولوژی غالب صورت پذیرفته است. در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف و روش- نظریه لاکلائو و موفه، به مطالعه‌ی گفتمان- ایدئولوژی آموزش و پرورش در دولت اعتدال پرداخته و با توصیف و تبیین ماهیت و عناصر گفتمانی آموزش و پرورش، رویکرد گفتمان غالب در نظام آموزش و پرورش بررسی گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد نظام آموزش و پرورش در دولت اعتدال از بعد گفتمانی به عناصر گفتمانی لیبرالیسم اسلامی نزدیک شده است. لذا بر مشارکت، حقوق شهروندی، انتقادگری، عقل محوری، تحول‌آفرینی، خلاقیت و نوآوری، شایسته‌سالاری تخصص محورانه، مهارت‌آموزی، قانون‌محوری و قانون‌مداری و... در اسناد خود تأکید دارد. عناصر گفتمانی فوق در چهارچوب عناصر گفتمانی نظام نوین جهانی تعامل محورانه قابل طرح است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد سوژه مدنظر دولت اعتدال، سوژه سیاسی است که با عناصر و دقیقه‌های گفتمانی نظام لیبرال دموکرات انطباق دارد و این امر در اسناد بالادستی و کتب درسی آموزش و پرورش در رابطه با دانش‌آموزان کاملاً مشهود بود.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش، ایدئولوژی، گفتمان، لیبرالیسم

^۱ نویسنده مسئول: ahmadali_hesabi@yahoo.com

مقدمه

در طول تاریخ تعلیم و تربیت، ساختارهای اجتماعی و البته ایدئولوژی حاکم با آموزش و پرورش مناسبات گسترده‌ای داشته است. برای توضیح این مطلب باید گفت، ایدئولوژی‌های سیاسی به واسطه‌ی تلاش برای ساختن مدینه‌ی فاضله‌ی خویش، در نهادهای گوناگون آثار مختلفی بر جای می‌گذارند و حتی موجب تشکیل فضاها و جریان‌های جدیدی در این نهادهای اجتماعی می‌شوند. نهاد تعلیم و تربیت، یکی از همین نهادها است که در زمینه‌ی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بر جریان‌های اجتماعی، میدان گسترده‌ای را پیشرو می‌نهد. لازم به ذکر است، مناسبات میان نهاد تربیتی با جریان‌های اجتماعی و البته سیاسی، گاهی مستقیم است ولی گاه با واسطه‌ی تغییر و تحول سایر نهادها، نظیر نهادهای سیاسی و اقتصادی رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، برخی جریان‌های اجتماعی، به طور مستقیم، سبب تحول و تغییر در نظام تربیتی می‌شوند و گاه با ایجاد تحول سیاسی و اقتصادی در جامعه، به طور غیرمستقیم، نهاد تعلیم و تربیت را متأثر می‌سازند.

به بیان دیگر، سیاست‌گذاران تعلیم و تربیت، تعهداتی به ساختارهای اقتصادی سیاسی خاص دارند و از همین رو، سیاست‌های تربیتی خاصی را پی‌ریزی می‌کنند. بر این اساس، تحلیل جریان‌های تربیتی، فارغ از تحلیل جریان‌های اجتماعی - سیاسی تحلیلی غیرکارآمد و ناتمام است (نیک‌نشان، ۱۳۹۱: ۶). واقعیت امر این است که همه دولت‌ها اعم از متمرکز یا دموکرات به صورتی اجتناب‌ناپذیر ناگزیر از مشروعیت بخشیدن به موجودیت، اقتدار و همچنین حقانیت بخشیدن به نظام سیاسی خود می‌باشند. تحقق این خواسته‌ها بیش از آنکه در گرو اعمال قدرت نظامی باشد، بسته به ایجاد یک ایدئولوژی مطلوب و ترویج آن در ذهن حکومت شوندگان است. در جوامع امروزی تشکیلات آموزشی با سازمان‌یافتگی پیچیده خود کارآمدترین ابزار برای نهادینه کردن ایدئولوژی بر اذهان مردم است (حامدی، ۱۳۸۸: ۷).

بدون تردید می‌توان گفت که نظام آموزش و پرورش در ایران پس از انقلاب درصدد ساختن انسان‌هایی خاص با ویژگی‌های مطلوب خود است. به نظر می‌رسد که این فرض درستی باشد اگر بگوییم اهداف نظام آموزش و پرورش ناظر بر ساخت انسانی اسلامی است. این هدف علی‌رغم تمام

بازنمایی گفتمان-ایدئولوژی دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش53

تحولاتی که آموزش و پرورش با آن مواجه بوده، همیشه در مرکز گفتمان آن قرار داشته است. مجموعه مفاهیم و باورها در نظام آموزش و پرورش به روشنی در صدد حاکم کردن مناسبات خاصی است. این مفاهیم آن قدر روشن و واضح اند که پیش فرض برخی تعاریف ایدئولوژی مبنی بر پنهان کاری و فریب موجود در ایدئولوژی را نقض می کند. در واقع نظام آموزش و پرورش در ایران به صراحت ایدئولوژیک است و چیزی را از قبل پنهان نمی کند (رضایی، ۱۳۸۷: ۱۸ و ۱۹).

برخی از دولت ها با باور به کنترل پذیری و امکان بهره مندی از توانمندی های عرصه فرهنگ به مثابه نیروی اجتماعی دست به دخالت و ساخت و ساز در این عرصه در چهارچوب سیاست گذاری فرهنگی می زنند. این دخالت ها سبب ساز تغییر و تحولاتی می شود (پورعلی و فیرحی، ۱۳۹۴). دولت های پس از انقلاب هم از این قاعده مستثنی نبودند. این دولت ها در طی مدیریت اجرایی خود، بر اساس تفسیر خویش از اسناد بالادستی و قوانین مصوب و سیاست گذاری های ناظر بر حوزه آموزش و پرورش به عنوان زیرمجموعه حوزه فرهنگ، تلاش برای کنترل، نظارت و اعمال دخالت هایی در این حوزه داشته اند.

با توجه به نکات فوق و اهمیت مطالعه گفتمان حاکم در آموزش و پرورش، پژوهش حاضر در پی مطالعه و تبیین ویژگی های گفتمان-ایدئولوژی حاکم بر نظام آموزش و پرورش در دولت اعتدال به عنوان یکی از نهادهای مهم در ایران می باشد. در این پژوهش، از گفتمان و تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش استفاده خواهد شد تا به استناد نتایج، به ویژگی های اصلی گفتمان غالب پرداخته و روابط، تنش ها و یا تعارضات این گفتمان با دگری های خود را تبیین نماید.

بنیان نظری و مفهومی این پژوهش نظریه ی گفتمان لاکلاو و موفه است. نظریه ی تلفیقی و انتقادی لاکلاو و موفه در باب گفتمان محصول چینش مفاهیم نظری مختلف (نظیر ایدئولوژی و گفتمان، هژمونی، مفصل بندی، خصومت و دگرسازی، امر سیاسی، امر اجتماعی و...) در کنار یکدیگر است (امینی، ۱۳۹۷: ۱۱۱-۱۱۲). از نظر لاکلاو و موفه فعالیت ها و پدیده ها وقتی قابل فهم می شوند که در کنار مجموعه ای از عوامل دیگر در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ چیزی به خودی خود

دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است کسب می‌کند (سلطانی، ۱۳۹۶: ۷۳-۷۲).

تحلیل گفتمان در ایران از سال ۱۳۸۵ با اقبال و توجه پژوهشگران علوم انسانی و علوم اجتماعی مواجه گردیده است. با این حال کاربرد تحلیل گفتمان در مطالعات اجتماعی در مقایسه با سایر روش‌ها بالنسبه محدود و اندک است (محسنی تبریزی، ۱۳۹۵: ۱۹۲). با وجود این محدودیت تلاش گردید تا تحقیقاتی که بیشترین قرابت را با موضوع این پژوهش دارا هستند ارائه نمود. پاک مهر و همکاران (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «ماهیت گفتمان سازی آموزه‌های انقلاب اسلامی و ویژگی‌های آن در برنامه‌های درسی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» به انجام رسانیدند. در این پژوهش پیامدهای نظری حاصل از رویکرد گفتمان‌سازانه در برنامه‌های درسی از دو منظر کلان/اساسی و فنی/ویژه و همچنین پیامدهای عملی آن از حیث تأثیر رویکرد مذکور بر سه حوزه شناخت، نگرش و عملکرد فراگیران در مواجهه با آموزه‌های انقلاب اسلامی و افزایش قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران از طریق برنامه‌های درسی بررسی گردید.

نیک‌نشان، پاک‌سرشت و لیاقت‌دار (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «آسیب‌شناسی گفتمان تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» به این نتیجه رسیدند که تأکید افراطی بر مهندسی اجتماعی، تلاش برای شکل‌دهی به هویت کاملاً یکدست و تربیت قرنطینه‌ای از جمله آفت‌های گفتمان‌های مذکور است. پورعلی و فیرحی (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «تحلیل گفتمانی سیاست‌گذاری فرهنگی دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش عالی» به انجام رسانیدند. از مهم‌ترین نتایج این پژوهش، این است که سیاست‌گذاری فرهنگی در آموزش عالی نباید با نظم گفتمانی دانشگاهی حاکم بر میدان علم و نهاد دانشگاه ناسازگار باشد.

نیک‌نشان (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عرصه‌های حضور ایدئولوژی بر تعلیم و تربیت با تأکید بر آموزش و پرورش معاصر ایران» نحوه تأثیر ایدئولوژی‌های سیاسی و مذهبی بر نهاد آموزش و پرورش در کشور ایران، طی سه دوره‌ی (مشروطه، پهلوی و انقلاب اسلامی) با شیوه‌های تحلیلی را مورد بررسی قرار داده است. به نظر می‌رسد، نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موفه، به‌عنوان

55.....بازنمایی گفتمان-ایدئولوژی دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش

چهارچوب نظری تحقیق، امکان مطالعه‌ی گفتمان ایدئولوژیک نظام آموزش و پرورش، توصیف و تبیین ماهیت و عناصر گفتمان آموزش و پرورش در دولت اعتدال و چگونگی بازنمایی آن در میدان گفتمانی ایران را فراهم می‌سازد. مسئله اصلی در این پژوهش بررسی رویکرد گفتمانی دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش است. بنابراین سؤالات اصلی پژوهش به شرح زیر است:

دولت اعتدال به چه ایدئولوژی-گفتمانی تأکید می‌کرد؟

دولت اعتدال چه رویکرد گفتمانی را در آموزش و پرورش مدنظر قرار داده است؟

روش شناسی

با توجه به موضوع مورد مطالعه، از روش تلفیقی تحلیل گفتمان مبتنی بر روش تحلیل گفتمان انتقادی به روش فرکلاف در سطح خرد و تحلیل سطح کلان برای حاشیه‌رانی گروه‌ها و گفتمان‌های رقیب به روش لاکلائو و موفه بهره برده شده است. سه دلیل عمده برای گزینش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف وجود دارد: نخست، اقتضای بخش نظری استفاده از این روش را ایجاب می‌کند. نظریه‌ی گفتمان لاکلائو و موفه برای تبیین پدیده‌های اجتماعی-سیاسی در سطح کلان مناسب هستند (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۲۳۸).

در واقع، روش تحلیل گفتمان فرکلاف به دلیل توجه به عناصر صوری زبان به نوعی مکمل نظریه‌ی گفتمان لاکلائو و موفه است. بدین ترتیب، نظریه‌ی انتزاعی و کلان لاکلائو و موفه با اتکا به تحلیل گفتمان فرکلاف به سطح خرد و انضمامی نزدیک می‌شود. دومین عاملی که استفاده از روش تحلیل گفتمان فرکلاف را از میان سایر رویکردهای تحلیل گفتمان ترغیب می‌کند، نگاه کامل‌تر آن به زبان، قدرت و مناسبات اجتماعی است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۲۳۴).

سومین عامل به چارچوب سه بعدی مربوط می‌شود که فرکلاف برای برداشت از گفتمان و تحلیل آن ارائه می‌کند (فرکلاف، ۱۹۹۲: ۷۳؛ بلومرت، ۲۰۰۵: ۲۹ و ۳۰). این سه بعد با سه بخش توصیف، تفسیر و تبیین تناظر دارد. در واقع، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سطح توصیف باقی نمی‌ماند و به تفسیر و تبیین می‌رسد (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۲۶). در واقع، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سطح توصیف باقی نمی‌ماند و به تفسیر و تبیین می‌رسد (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۲۶).

سطح توصیف: در این سطح متن بر اساس مشخصه‌های زبان‌شناختی و تا حدودی کاربردشناسی، مورد توصیف و تحلیل واقع می‌شود.

سطح تفسیر^۱: به تفسیر متن بر مبنای آنچه که در سطح توصیف بیان شده با در نظر گرفتن بافت موقعیت و مفاهیم و راهبردهای کاربردشناسی و عوامل بینامتنی می‌پردازد.

سطح تبیین^۲: به توضیح چرایی تولید چنین متنی از میان امکانات مجاز موجود در آن زبان برای تولید متن در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، گفتمان، ایدئولوژی و قدرت و قراردادهای دانش فرهنگی - اجتماعی می‌پردازد (کلاتری و همکاران، ۱۳۸۸).

فرکلاف با توجه به رابطه دیالکتیکی که بین ساختارهای خردگفتمان (ویژگی‌های زبان‌شناختی) و ساختارهای کلان‌جامعه (ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی) قائل است بر این نکته تأکید می‌ورزد که اگر چه ممکن است ساختارهای کلان‌جامعه ساختارهای خردگفتمان را تعیین کنند، ساختارهای گفتمانی نیز به نوبه خود ساختارهای ایدئولوژیک و گفتمانی را بازتولید می‌کنند (آقاگل‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۱). در این پژوهش، سه متن مرتبط با اهداف پژوهش از متون نوشتاری زیر استخراج و بر اساس روش فرکلاف و روش - نظریه لاکلائو و موفه مورد تحلیل قرار گرفت.

(۱) برنامه زیرنظام راهبری و مدیریت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، مصوب نهمصد و چهل و هشتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش، تاریخ ۹۶/۷/۲۴.

(۲) ابلاغیه ریاست جمهور مبنی بر جهت‌گیری‌ها و اولویت‌های عمومی و تخصصی آموزش و پرورش، ۱۳۹۸.

(۳) کتاب درس جامعه‌شناسی (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه سال ۱۳۹۵.

لازم به ذکر است که تحلیل گفتمان یک فرایند وقت‌گیر است و در آن نه تنها می‌بایست الگوهای گفتمانی کشف و استخراج شوند، بلکه پیوند با بافت و حتی ردیابی پدیده‌های ایدئولوژی و قدرت نیز صورت گیرد. بنابراین حجم نمونه باید تا حد قابل کنترل و مدیریت انتخاب گردد (میرزایی،

^۱ - Interpretation

^۲ - Explanation

57.....بازنمایی گفتمان-ایدئولوژی دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش

۱۳۹۵: ۱۰۴۳). معمول ترین واحد تجزیه و تحلیل و تفسیر در مطالعات گفتمانی، «یک بخش از متن» است. واحد تحلیل در این نوع مطالعات فراتر از کلمه است و بر اساس موضوع مورد مطالعه و متغیرها و شاخص های پژوهش، واحد تحلیل می تواند یک جمله، بند، عبارت، صفحه، مصاحبه، خاطرات، سخنرانی و... باشد (عقیلی و حقیقت، ۱۳۸۹).

در پژوهش حاضر نمونه گیری قضاوتی^۱ یا تعمّدی^۲ که یکی از انواع نمونه گیری غیراحتمالی است استفاده می شود. فکر اساسی که در پس نمونه گیری قضاوتی و تعمّدی قرار دارد این است که محقق بر اساس دانش و قضاوت صحیح و اتخاذ استراتژی مناسب می تواند مواردی را برگزیند که در مجموع معرف جمعیت مورد نظر باشد (سرای، ۱۳۹۱: ۱۱). به همین منظور تا رسیدن به مرحله اشباع داده ها، متون نوشتاری در این دوره زمانی انتخاب و مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در تحقیق حاضر بر اساس مقوله های تحلیل گفتمان فرکلاف ساختارهای گفتمان مدار برجسته انتخاب و در تجزیه و تحلیل به کار گرفته شد. از جمله مقوله هایی که مورد مطالعه قرار گرفت به طور اجمالی می توان به موارد زیر اشاره نمود:

- توصیف دیدگاه سیاست گذاران نهاد آموزش و پرورش در دولت اعتدال با توجه به وابستگی گفتمان ها به پیش فرض ها و ویژگی های ایدئولوژیک.
- توصیف تظاهر زبان شناختی ساختارهای گفتمان مدار در متون.
- تفسیر قطب بندی موجود در این گفتمان (توصیف روابط، تنش ها و یا تعارضات).
- تبیین رابطه بین گفتمان-ایدئولوژی، قدرت سیاسی و سوژه سازی.

تجزیه و تحلیل داده ها:

انقلاب اسلامی، گفتمان و تحول:

1 - Judgement sampling

2 - Purposive

انقلاب اسلامی ایران پدیده‌ای شگرف و آخرین انقلاب قرن بیستم بود که بیست سال آخر این قرن را تحت الشعاع خود قرار داد. انقلاب اسلامی ایران، همان طور که فوکو گفته است، «انقلاب در عصر بی‌روح» بود. این انقلاب ریشه‌های اقتصادی و سیاسی صرف نداشت. انقلابی فرهنگی بود که ریشه‌های آن به سنت و فرهنگ دیرین ایران اسلامی باز می‌گشت و تأثیراتی عمیق بر پیکر اجتماع ایران در دوران معاصر بر جای گذاشت. این انقلاب فرهنگی تنها نظام سیاسی را دگرگون نکرد، بلکه تحولی عمیق در فرهنگ به وجود آورد، انسان‌هایی جدید ساخت، شیوه‌های رفتار، گفتار و اندیشه‌ای جدید برای این انسان‌ها تولید کرد، و بر این اساس، به تولید دانش‌هایی جدید در ساحت علوم انسانی پرداخت (سلطانی، ۱۳۹۶: ۱۴).

با ظهور انقلاب اسلامی و فضای گفتمانی دهه نخست، عناصر و مدل‌ولت گفتمان انقلاب اسلامی دارای مفاهیمی روشن، بدون ابهام و در دسترس بود. در این دوران اسلام‌گرایان با خوانش جدیدی از اسلام که هدفش بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است، معتقد بودند؛ دست‌یابی به این هدف تنها از طریق بازگشت به اسلام و تأسیس حکومت اسلامی امکان‌پذیر است. آنان در ائتلافی گسترده و نیرومند در مقابل گفتمان سکولار رژیم پیشین صف‌آرایی کرده و با غلبه بر آن به اهداف خود دست یافتند (زهیری، ۱۳۹۵: ۱۸۹).

گفتمان انقلاب اسلامی توانست به اصطلاح لاکلائو، فضای استعاری‌ای را ایجاد کند که در سایه‌ی آن این مفاهیم آن‌چنان به هم چفت و بست شوند که بسیاری از گروه‌های سیاسی فعال در صحنه انقلاب، همه‌ی آمال و آرزوهای خود را در آن فضا جست‌وجو می‌کردند (سلطانی، ۱۳۹۶: ۱۳۹). سال‌های اولیه انقلاب دوران حاکمیت فضای آرمانی و انقلابی در ایران است؛ در این دوران، سیاست و قدرت از دریچه‌ای ایدئولوژیک و آرمانی تفسیر می‌شود. ویژگی عمده این دوران وجود اقتدار کاریزمایی امام و اتحاد و یکپارچگی طیف‌های قدرت در برابر دگر خارجی است؛ این عوامل از یک طرف باعث بسط و گسترش گفتمان سنت‌گرایی ایدئولوژیک شد و از طرف دیگر مانع وقوع منازعات مهم و اساسی در میان اقشار و گروه‌های انقلابی بود (نسیمی‌پور، ۱۳۹۰: ۱۳۱).

بازنمایی گفتمان-ایدئولوژی دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش 59

اما از دهه دوم با افزایش آگاهی‌ها و پیچیده شدن جامعه، شکل‌گیری مطالبات تازه‌ای که از دل تجربه‌های دوره اول زاده شده بود سبب شد این مفاهیم مورد بازتفسیر قرار گیرد و قرائت‌ها و فهم‌های مختلفی از مدلولات این گفتمان ظاهر شود. بدین ترتیب گفتمان انقلاب اسلامی از مسیر قرائت‌ها عبور کرده و درک جدیدی از آن حاصل شد. پیامد این موضوع دو چیز بود: نخست تضعیف هم‌نوایی گذشته میان نظام سیاسی و نیروهای اجتماعی؛ و دوم این که حاملان این قرائت‌ها، هر کدام برای تبیین جهان فرهنگی خود تمایزات و غیریت‌ها را با دیگران بر ملا ساختند (زهیری، ۱۳۹۵: ۱۸۹). تغییر و تحول گفتمان‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران در طول زمان صورت پذیرفته و در دوره‌ها و دولت‌های مختلف، خرده گفتمان‌هایی در سیما و مشرب‌ی متفاوت ظاهر و در درون ابرگفتمان انقلاب اسلامی تکوین و تکامل یافته‌اند. هر یک از این خرده گفتمان‌ها، بر کانون‌ها، دقایق و عناصر خاصی ابتناء یافته و مفاهیم کانونی و کلیدی را در بستر گفتمانی خود باز تعریف کرده‌اند (رادفر، ۱۳۹۵: ۸۰).

آموزش و پرورش پس از انقلاب اسلامی:

یکی از مهم‌ترین اهداف و شاخصه‌های نظام آموزشی، از زمان تحقق جمهوری اسلامی ایران، ایجاد و بسط گفتمان دینی و ایدئولوژیکی در ساحت جامعه بوده است. بر اساس ایدئولوژی اسلامی، اسلامی کردن مدارس و دانشگاه‌ها را می‌توان مهم‌ترین ویژگی نظام آموزشی کشور دانست که هم به عنوان شعارهای فرهنگی پیش از انقلاب و هم به عنوان عرصه‌ای برای عمل پس از انقلاب مورد توجه قرار گرفت؛ لازم به توضیح است که با توجه به ساختار سیاسی ایران و قرار گرفتن ولایت فقیه در رأس امور (که خود برگرفته از قرائتی ایدئولوژیکی است)، آرمان اسلامی‌سازی جامعه، پس از انقلاب به عنوان محور تمام فعالیت‌های فرهنگی مطرح بوده و این ساختار ایدئولوژیکی و سیاسی چنان از استحکام برخوردار است که تغییرات سیاسی نظیر تغییر در دولت‌ها، نتوانسته خللی بر آن وارد سازد (نیک‌نشان، ۱۳۹۱: ۲۴۱).

در ایران هر چند تأکید بر سنت اسلامی به عنوان منشاء همه ارزش‌ها و هنجارهای مقبول، اصل اساسی ایدئولوژی نظام جمهوری اسلامی است اما درون نظام، جهت‌گیری‌ها و طیف‌های سیاسی

۶۰... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

وجود دارد که با عنوان گفتمان سیاسی (بشیریه، ۱۳۸۱؛ فرقانی، ۱۳۸۲) یا طیف‌ها/ جناح‌های سیاسی (ظریفی نیا، ۱۳۷۸، زکریایی، ۱۳۸۰؛ بیژنی و همکاران، ۱۳۸۸) شناسایی شده‌اند (ساعی، قاراخانی و مؤمنی، ۱۳۹۰).

گفتمان دولت اعتدال:

این گفتمان، ترکیبی از راست مدرن یا عمل‌گرایی و چپ مدرن یا اصلاح‌طلبی است که عناصر و دقایقی از هر دو گفتمان را در درون خود دارد. به طوری که از یک سو، مانند راست مدرن، بر پایه تفکر توسعه، بر توسعه اقتصادی و الگوی توسعه صادرات در قالب اقتصاد بازار و آزاد و مداخله کمینه دولت در اقتصاد تأکید می‌کند. از سوی دیگر، مانند چپ مدرن تعین یافته در گفتمان اصلاح‌طلبی، بر مبنای لیبرالیسم سیاسی در چارچوب مردم‌سالاری اسلامی، ساخت سیاسی دموکراتیک و جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران در کنار اسلامیت را برجسته می‌سازد. از این رو، در این خرده گفتمان، که نوعی اصلاح‌طلبی عمل‌گراست، ارزش‌هایی چون آزادی، قانون، تکثرگرایی و حقوق شهروندی در چهارچوب مردم‌سالاری اسلامی مورد تأکید قرار می‌گیرد (رادفر، ۱۳۹۵: ۹۴). این گفتمان کمابیش توسعه‌گرایی را در چارچوب مکتب‌نوسازی تعریف کرده و بر همین مبنا سعی دارد توسعه اقتصادی را با بهبود روابط با دنیای خارج خصوصاً دنیای غرب میسر سازد.

بنابراین اولویت دولت روحانی در حل مسائل اقتصادی و نیز توسعه‌گرایی، تعامل با کشورها، خصوصاً کشورهای غربی و توسعه یافته را که دال خالی گفتمان دولت قبلی محسوب می‌شد به یک وقته تبدیل نمود و در مفصل‌بندی گفتمان خود قرار داد. بر همین اساس دولت روحانی، رشد و توسعه اقتصادی و گشایش در آن را منوط به حل مهم‌ترین مشکل سیاست خارجی یعنی پرونده هسته‌ای و رفع تحریم‌ها می‌دانست. بنابراین قبل از هر اقدام و برنامه‌ای، توافق هسته‌ای (برجام^۱) را در صدر برنامه‌های خود قرار داد. این عنصر گفتمانی دقیقاً در ضدیت با سیاست خارجی دولت

61.....بازنمایی گفتمان-ایدئولوژی دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش

احمدی نژاد قرار داشت که مبنی بر تقابل با دنیای غرب بود (قریشی، علیزاده اقدم و زائر کعبه، ۱۳۹۶).

در گفتمان اعتدال گرایی، همچون سایر گفتمان‌های اسلام گرایی، جمهوری اسلامی ایران یک نظام سیاسی است که ماهیت و هویت اسلامی دارد که از یک دولت ملی صرف متمایز می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران یک نظام مردم سالار اسلامی است که از دو جزء و عنصر قوام بخش «جمهوریت» و «اسلامیت» قوام و دوام یافته است. از این رو، جمهوری اسلامی ایران که بر پایه شریعت اسلامی تشکیل شده است، ماهیتی مردم سالارانه دارد و عاری از هرگونه قهر و غلبه و استبداد و دیکتاتوری می‌باشد. اقتدار نظام و دولت نیز برخاسته از اختیار و انتخاب مردم است (رادفر، ۱۳۹۵: ۹۴).

از دیدگاه آقای روحانی، تعامل سازنده بر اساس احترام متقابل و منافع مشترک و از موضع برابر، مبنای روابط ایران با سایر کشورها را تشکیل خواهد داد (بشیری، ۱۳۹۳: ۱۸۱). بنابراین، برپایه دکترین تعامل سازنده، از یک سو، با هژمونی و یک جانبه گرایی در نظام بین الملل مقابله گفتمانی، نرم و تئوریک می‌شود؛ ولی از سوی دیگر، عادی سازی، بازسازی و توسعه همه جانبه روابط با بازیگران بزرگ و تأثیرگذار بین المللی از جمله اتحادیه اروپا در دستور کار سیاست خارجی دولت اعتدال قرار می‌گیرد (ظریف، ۲۰۱۴: ۱۰). از مردم سالاری دینی، استبدادستیزی و آزادی خواهی، استقلال طلبی و سلطه ستیزی، اسلام گرایی، آرمان گرایی توأم با واقع گرایی، نفی خشونت و خشونت طلبی و تعامل و صلح طلبی در سطح بین المللی به عنوان مؤلفه‌های فرهنگ سیاسی اعتدال گرا یاد شده است.

دولت اعتدال و نظام آموزش و پرورش:

سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش در دولت اعتدال:

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مبنای سیاست‌ها، راهبردها و برنامه‌های وزارت آموزش و پرورش است که مسیر تحولات و چرخش‌های اساسی را در نهاد تعلیم و تربیت ترسیم نموده است. زیرنظام‌های این سند چارچوب قابل اعتمادی برای جاری سازی و استقرار برنامه‌های

تحولی فراهم نموده و لازم است کلیه فرآیندها، اقدامات و تأمین و تخصیص منابع در نظام آموزش و پرورش در راستای اجرای برنامه‌های زیر نظام‌های سند تحول بنیادین باشد. نظام مدیریت در آموزش و پرورش باید مبتنی بر شایسته‌سالاری باشد و لذا انتخاب مدیران باید فارغ از دسته‌بندی‌ها و جناح‌بندی‌های رایج در درون نظام سیاسی بوده و بر اساس مهارت‌های حرفه‌ای و صلاحیت‌های شخصیتی مبتنی بر معیارهای مرجع اخلاقی و دینی باشد.

تربیت متوازن و رشد شایستگی‌های پایه و تربیت جامع در ابعاد اعتقادی، عبادت اخلاقی، اجتماعی و سیاسی، علمی و فناورانه، هنری، زیستی و بدنی زمینه‌ساز دست‌یابی به مراتبی از حیات طیبه است. بر همین مبنا تحکیم و تقویت عوامل مؤثر تربیت و تعدیل و رفع موانع آن باید مدنظر قرار گیرد. تأمین و بسط عدالت در بهره‌مندی از فرصت‌ها و امکانات تعلیم و تربیت با کیفیت به ویژه در مناطق محروم و مرزی، روستاها، حاشیه شهرها و مناطق عشایری در راستای تأکیدات سند تحول بنیادین ضروری است. ارتقاء کیفیت مدارس دولتی و حرکت به سمت کاهش تنوع در راستای عدالت آموزشی و تربیتی از اهمیت اساسی برخوردار است.

لزوم توجه به شکل‌گیری هویت دینی و ملی از دوران کودکی بر مبنای آموزه‌های دینی و بر اساس مفاد سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، دوره ابتدایی و به ویژه دوره پیش دبستانی را از اهمیتی اساسی برخوردار می‌سازد. حرکت از سمت حافظه‌محوری به مهارت‌آموزی رویکردی اصلی در آموزش و پرورش است که باید در کلیه برنامه‌های درسی و فعالیت‌های آموزشی و تربیتی پیگیری شود. برداشتن دیوار میان جامعه و مدرسه و پیوند آموزه‌های آموزشی با زندگی واقعی از اولویت‌های اساسی آموزش و پرورش است. اتخاذ رویکردهای تمرکززدایی و مدرسه‌محوری به افزایش توانمندی و اختیارات ارکان مدرسه و بهبود نظام تصمیم‌گیری و مشارکت فکری و خلاقیت مدیران و معلمان مدارس می‌انجامد که باعث بالندگی هر چه بیشتر مدارس می‌شود و مدارس بالنده و توانمند، پیشران آموزش و پرورش کیفی و کانون پیشرفت محلی محسوب می‌شوند. طراحی مکانیسم‌های مبتنی بر «رقابت تنظیم شده» در نظام آموزشی با محوریت نگاه به آموزش و پرورش به

63.....بازنمایی گفتمان-ایدئولوژی دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش

عنوان بازاری جوساز در تعالیم جدید علم اقتصاد از اصول این دوره مدیریت در آموزش و پرورش خواهد بود.

نیاز به حرکت به سمت خانواده و والدین در کلیه شئونات مربوط به مدرسه خصوصاً بازنمایی نظام تأمین مالی آموزش و پرورش با استفاده از مدل‌های پیشرفته در این حوزه است. توسعه سوادآموزی از راهبردهای اساسی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران است و بر همین اساس وزارت آموزش و پرورش همچنان راهبرد توسعه سوادآموزی را با هدف جلب بازماندگان از تحصیل و افزایش پوشش سوادآموزی در بازه‌های سنی مختلف به عنوان اولویتی اساسی پیگیری خواهد کرد (الهیار ترکمن و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹-۱۸). عناصر و برنامه‌های اصلی این گفتمان را در آموزش و پرورش می‌توان به شکل خلاصه در جدول ذیل عنوان نمود.

۶۴... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

جدول ۱- عناصر و برنامه‌های گفتمان دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش

عناصر و برنامه‌های اصلی	دوره تاریخی دولت اعتدال
برنامه درسی	<p>* حرکت از سمت حافظه محوری به مهارت آموزی رویکرد اصلی است که باید در کلیه برنامه‌های درسی و فعالیت‌های آموزشی و تربیتی پیگیری شود (الهی‌ار ترکمن و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۸).</p> <p>* کتب درسی متنوع: تدوین یا انتخاب چندین کتاب درسی برای هر پایه، به نحوی که معلم و مدرسه بر اساس راهبردها و جهت‌گیری‌های خود می‌توانند از میان گزینه‌های موجود، کتاب درسی مناسب را انتخاب نمایند.</p> <p>* تمرکززدایی در سیاست‌های آموزشی: دولت بخشی از اختیارات خود را به مدارس واگذار می‌کند؛ اختیاراتی مانند انتخاب محتوای آموزشی، راهبردهای آموزشی، ابزارهای آموزشی و</p> <p>* توسعه‌ی رویکرد برون مدرسه‌ای (Out of School) در آموزش‌های تخصصی و آموزش استعداد‌های درخشان (روحانی، ۱۳۹۶: ۱۳۶-۱۳۴).</p>
معلم و دانش‌آموز	<p>* معلم محوری: کلیدی‌ترین سیاست آموزش و پرورش عمومی (روحانی، ۱۳۹۶: ۱۲۴).</p>
مواد درسی اولویت‌دار	<p>* دروس عمومی: (مدارس و وظیفه‌ی توسعه‌ی دانش عمومی و همچنین پرورش خصایص انسانی را بر عهده داشته و آموزش‌های فراتر از دانش عمومی و پاسخ‌گویی به استعداد‌های درخشان (اعم از شتاب بخشی آموزشی و غنی‌سازی آموزش) نیازمند نهادهای تخصصی برون مدرسه‌ای هستند).</p> <p>* دروس مهارتی، تفکر و پژوهش، روان‌شناسی، مهارت‌های زندگی، تربیت بدنی</p>
نظام ارزشی	<p>لیبرال دموکرات اسلامی؛</p> <p>* انتخاب مدیران باید فارغ از دسته‌بندی‌ها و جناح‌بندی‌های رایج در درون نظام سیاسی بوده و بر اساس مهارت‌های حرفه‌ای و صلاحیت‌های شخصیتی مبتنی بر معیارهای مرجع اخلاقی و دینی باشد.</p> <p>* تقویت سازوکارهای مشارکت عمومی - خصوصی (PPP): نظام تدبیر مناسب از طریق جذب مشارکت بخش غیردولتی قابل حصول است. به این ترتیب از یک سو توسعه‌ی مشارکت نهادهای خصوصی و از سوی دیگر توسعه‌ی مشارکت نهادهای عمومی غیردولتی در حوزه‌ی آموزش و پرورش عمومی، سیاستی کلیدی برای دولت خواهد بود (روحانی، ۱۳۹۶: ۱۳۶-۱۳۴).</p> <p>* این گفتمان بر مبنای لیبرالیسم سیاسی در چارچوب مردم‌سالاری اسلامی، ساخت سیاسی دموکراتیک و جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی ایران در کنار اسلامیت را برجسته می‌سازد (رادفر، ۱۳۹۵: ۹۴).</p> <p>* طراحی مکانیسم‌های مبتنی بر «رقابت تنظیم شده» در نظام آموزشی با محوریت نگاه به آموزش و پرورش به عنوان بازاری جורساز در تعالیم جدید علم اقتصاد از اصول این دوره مدیریت در آموزش و پرورش خواهد بود (الهی‌ار ترکمن و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹).</p> <p>* مداخله‌گری و تصدی‌گری کمیته دولت و مشارکت همه‌جانبه و بیشینه مردم بر مبنای نظریه دولت حداقلی (رادفر، ۱۳۹۵: ۹۷).</p>

یافته‌ها

ایدئولوژی - گفتمان دولت اعتدال و رویکرد گفتمانی آن در نظام آموزش و پرورش

نظام جمهوری اسلامی ایران در گفتمان اعتدال‌گرایی، ماهیت، هویت، منافع و اهداف مشخص و معینی دارد که در چارچوب گفتمان کلان اسلام‌گرایی تعریف و تبیین می‌شود. در گفتمان اعتدال‌گرایی، همچون سایر گفتمان‌های اسلام‌گرایی، جمهوری اسلامی ایران یک نظام سیاسی است که ماهیت و

65.....بازنمایی گفتمان-ایدئولوژی دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش

هویت اسلامی دارد که از یک دولت ملی صرف متمایز می‌گردد. جمهوری اسلامی ایران یک نظام مردم‌سالار اسلامی است که از دو جزء و عنصر قوام بخش «جمهوریت» و «اسلامیت» قوام و دوام یافته است. اقتدار نظام و دولت نیز برخاسته از اختیار و انتخاب مردم است. بنابراین؛ جمهوری اسلامی ایران، نظامی پاسخ‌گو، مشارکت‌جو، توسعه‌گرا، تکثرگرا و تسهیل‌کننده امور با حداقل مداخله‌گری و تصدی‌گری در امور خصوصی است (رادفر، ۱۳۹۵: ۹۴).

گفتمان اعتدال‌گرایی، محصول نظام آموزش و پرورش را شهروندانی توسعه طلب، پذیرنده نوآوری، ماهر، قانون‌مند، مسئولیت‌پذیر، مشارکت‌جو و دیندار که در جامعه‌ای اخلاقی زندگی می‌کنند، دانسته و تغییر در نظام آموزش و پرورش را بر پایه‌ی جهت‌گیری‌های کلانی همچون؛ معلم محوری، توسعه‌ی سواد اطلاعاتی و... پی‌گیری می‌نماید. این گفتمان با انتقاد از وضعیت فعلی و در راستای نیل به وضعیت مطلوب، تغییراتی همچون؛ تمرکززدایی در سیاست‌های آموزشی، کتب درسی متنوع، توسعه‌ی رویکرد برون‌مدرسه‌ای در آموزش‌های تخصصی و آموزش استعدادها در خشان، عدالت آموزشی، تقویت سازوکارهای مشارکت عمومی - خصوصی و... را در صدر برنامه‌های جدی دولت در عرصه تعلیم و تربیت قرار داده است. خروجی نظام آموزش و پرورش در گفتمان اعتدال، انسانی بهره‌مند از آگاهی و مهارت‌های کلیدی در زندگی است. این مهارت‌ها در وضعیت فعلی منطبق با اقتضائات دنیای امروز نیست و نیازمند بازنگری است.

مهارت‌های کلیدی که باید افزون بر توانمندی‌ها و مهارت‌های فعلی مورد توجه قرار گیرند عبارتند از:

۱. تفکر انتقادی که لازمه‌ی زیستن در عصر اطلاعات و مواجهه با انبوهی اطلاعات است. ۲. خلاقیت و نوآوری که اصلی‌ترین ویژگی تمایزآفرین میان نهادها و جوامع است، ۳. روانمداری و پذیرش تنوع، ۴. کارآفرینی که لازمه‌ی توسعه‌ی اقتصادی در سطح فردی و اجتماعی است، ۵. ارتباطات اجتماعی و مشارکت تیمی و ۶. یادگیری تمام عمر و خودآموزی که پیش شرط زیستن در جامعه‌ی دانش بنیان است (روحانی، ۱۳۹۶: ۱۳۶-۱۳۴). در این پژوهش جهت تحلیل گفتمان-ایدئولوژی آموزش و پرورش در دولت اعتدال گرا سه متن مورد تحلیل قرار گرفت؛ نتایج حاصل از تحلیل این متون که بیانگر تلاش

گفتمان غالب جهت‌بازنمایی عناصر و نشانگان خود در سیستم تعلیم و تربیت کشور بوده است، شرح ذیل می‌باشد:

سیاست گفتمان غالب که در متون انعکاس یافته، کاهش تمرکز، افزایش تفویض اختیار، توسعه عدالت آموزشی، تحول آفرینی، آینده‌نگری، توانمندسازی و جذب استعدادها برتر و... است. جهت اصلی حرکت نیز تغییر نظام آموزشی کنونی از طریق بازنگری و بازمهندسی ساختارها، رویه‌ها و روش‌ها در جهت دستیابی به نظام آموزش و پرورش در چهارچوب گفتمانی غالب است. توجه ویژه به اسناد بالادستی شامل سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و... نیز مورد تأکید نظریه‌پردازان این گفتمان می‌باشد. رویکرد گفتمان اعتدال در نظام آموزش و پرورش؛ کاهش حجم تصدی‌گری دولت، تقویت سازوکارهای مشارکت عمومی-خصوصی و تربیت شهروندانی قانون‌مند، مسئولیت‌پذیر، کارآفرین و دیندار است.

تأکید بر تقویت مبانی ارزش‌های دینی و اخلاقی، ارتقای سلامت نظام اداری، مراقبت از سلامت روحی و اخلاقی مدرسه، توجه به ارتقای توانمندی‌های اجتماعی و فرهنگی دانش‌آموزان و... اصول فرهنگی این گفتمان است. این گفتمان در پی طراحی و تدوین نظام راهبری و مدیریت آموزش و پرورش، با مشخصه‌هایی هم‌چون؛ کارآمدی، اثربخشی، مشارکت‌جویی، یادگیرنده و آینده‌نگر در چارچوب نظام معیار اسلامی است و تلاش دارد؛ با استفاده بهینه از امکانات و منابع و به حداکثر رساندن بهره‌وری، ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل را افزایش دهد و با بهره‌گیری از فرایندها و تأکید بر پیامدها و تنظیم تعاملات بیرونی و بهره‌مندی از عوامل محیطی؛ اهداف آموزش و پرورش را در سطوح مختلف مدیریتی با پاسخ‌گویی به نیازهای ذینفعان درون و برون سازمانی خود محقق سازد.

مشارکت‌پذیری، توسعه بخش غیردولتی در ارائه خدمات آموزشی و پرورشی، تأکید بر کاهش تمرکز، توانمندسازی و نخبه‌گرایی، تحول آفرینی و نوآوری، تنظیم تعاملات بیرونی و بهره‌مندی از عوامل محیطی، ساماندهی و بهینه‌سازی عوامل و عناصر نظام مدیریتی آموزش و پرورش در سطوح خرد و کلان، تأکید بر نظام شایسته‌سالاری، انسجام بخشی به عوامل مؤثر در فرآیند تعلیم و تربیت، مدرسه محوری، نخبه‌گرایی، تحول آفرینی و... به عنوان برنامه‌های محوری نظام تعلیم و تربیت در دولت اعتدال و نشانگان

67.....بازنمایی گفتمان-ایدئولوژی دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش

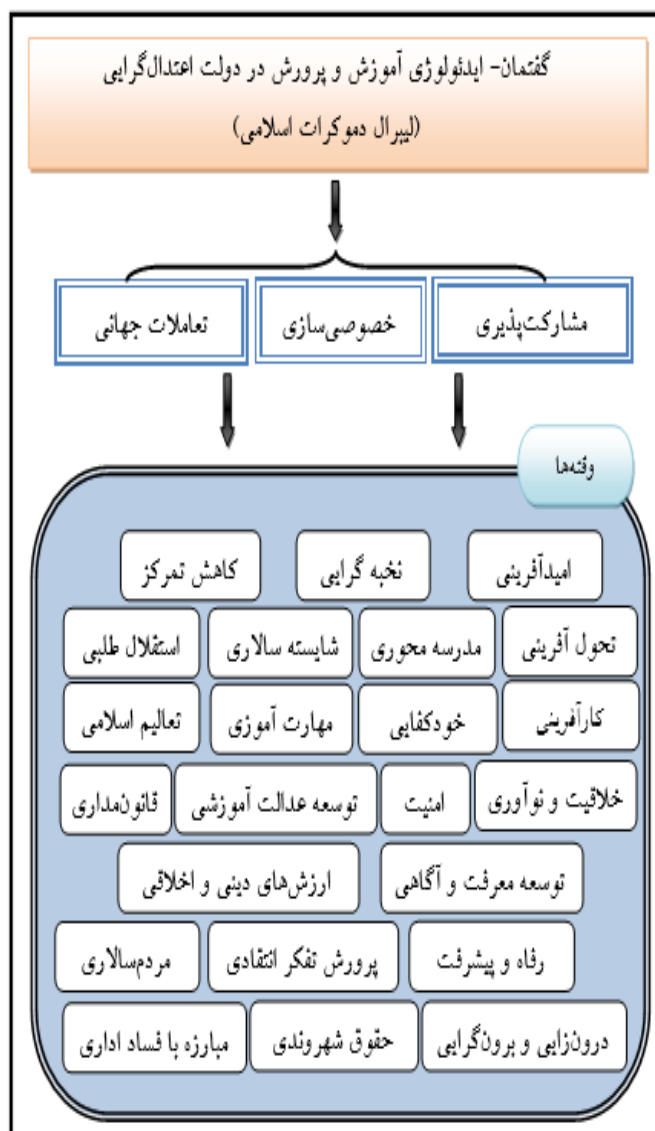
گفتمان مسلط معرفی گردیده است که دولت با اتکال بدان‌ها و غیریت‌سازی با گفتمان‌های دیگر درصدد حاشیه‌رانی رقبا و تثبیت جایگاه گفتمان خود است. در این گفتمان؛ آموزش و پرورش به عنوان مهم‌ترین نهاد تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه انسانی و اجتماعی امری حاکمیتی تلقی می‌شود که اداره کارا و اثربخش آن منوط به ایجاد عزم ملی، جلب مشارکت و همکاری هدفمند و گسترده مردم، سازمان‌ها و ارکان حاکمیت در تمام سطوح و بهره‌مندی سنجیده از ظرفیت‌های بخش خصوصی است. گفتمان غالب با انتقاد و اعلام ناخرسندی از وضعیت موجود تلاش می‌نماید تا طی دوره فعالیت خود، جامعه را از چالش‌های بزرگ انباشته شده در طول چند دهه گذشته عبور داده و شرایط مساعدی را برای مقاطع پایانی فعالیت خود در سال ۱۴۰۰ که مصادف با به پایان رسیدن قرن حاضر است، به وجود آورد.

این گفتمان به شکل استدلالی راهکار فائق آمدن بر چالش‌های بزرگ انباشته شده در طول چند دهه گذشته و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را در اصلاح ساختاری، اولویت‌بندی و تمرکز بر اهداف مشخص و محدود، مقابله با تحریم‌های ظالمانه، مبارزه با فساد اداری، رفع انحصار و... می‌داند. اولویت واگذاری فعالیت‌ها به مردم و فراهم آوردن زمینه مشارکت هر چه بیشتر بخش خصوصی، توجه به رفع انحصارها و برقرار کردن فضای رقابتی در کنار کنترل قراردادان و قاعده‌مند کردن حوزه‌های انحصاری، توجه بیشتر به مهارت آموزی دانش‌آموزان و توانمندسازی آنان برای ورود به بازار کار در آینده، حرکت به سمت جایگزین‌سازی تدریجی ارائه مستقیم خدمات آموزشی توسط دولت با خرید خدمت، تقویت سازوکارهای مشارکت عمومی-خصوصی و در کل بیشینه‌سازی بخش خصوصی و کمینه‌سازی بخش دولتی در کنار ملاک قرار دادن منشور حقوق شهروندی و تربیت شهروندانی قانون‌مند، مسئولیت‌پذیر، کارآفرین و دیندار بیانگر صورت مادی ایدئولوژی و جهان‌نگرش گفتمان دولت اعتدال است و بازگشت دولت اعتدال به رویکرد لیبرال اسلامی را تداعی می‌نماید.

سیاست بارز سیستم تعلیم و تربیت در گفتمان اعتدال‌گرا منبعث از متون تحلیلی، توجه ویژه به کارآفرینی می‌باشد. این گفتمان با نقد رویدادهای گذشته و عملکرد اقتصادی دولت‌های قبل، مدعی است نهاد اقتصاد در ایران تبدیل به پاشنه آشیل نظام گردیده و گفتمان غالب تلاش دارد با تأکید بر اصول اقتصاد

مقاومتی از جمله درون‌زایی و برون‌گرایی و توجه ویژه به قانون اساسی، با اعلام مواضع و پابندی‌های خود به اسلام، قانون اساسی، سیاست‌های کلان نظام و... ضمن برجسته‌سازی مؤلفه‌های اقتصادی گفتمان خود، گفتمان‌های دیگر را به حاشیه براند. استقلال طلبی تعاملی، تأکید بر خودکفایی، حفظ اقتدار و عزت ملی، درون‌زایی در عین برون‌گرایی، سلطه ستیزی نرم، رفاه و پیشرفت توأم با عدالت، اولویت قراردادن حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، صدور انقلاب اسلامی از طریق الگوسازی اقتصادی و... شاخصه‌های گفتمانی دولت اعتدال است که به مدد آن‌ها و با تأکید بر واژگان؛ تعاملات، مردم، امنیت، رفاه، امید و... به ضدیت‌سازی و فاصله‌گیری از گفتمان سنت‌گرایی ایدئولوژیک اسلامی مبادرت می‌ورزد.

نشانه‌های پایه‌ای این گفتمان- ایدئولوژی در آموزش و پرورش را باید در انگاره‌هایی چون؛ «مدرسه محوری»، «کاهش تمرکز»، «توسعه عدالت آموزشی»، «نخبه‌گرایی»، «تربیت اخلاقی» و «تحول آفرینی»، «مشارکت‌پذیری»، «تعاملات جهانی»، «استقلال طلبی»، «امنیت»، «رفاه و پیشرفت»، «اخلاقی و نوآوری»، «درون‌زایی و برون‌گرایی اقتصادی»، «تعالیم اسلامی»، «خودکفایی»، «شایسته‌سالاری»، «کارآفرینی»، «پرورش تفکر انتقادی»، «امیدآفرینی»، «مهارت‌آموزی»، «ارزش‌های دینی و اخلاقی»، «مردم‌سالاری»، «حقوق شهروندی»، «مبارزه با فساد اداری»، «قانون‌مداری» و «خصوصی‌سازی» جست؛ که در این میان می‌توان از انگاره‌های مشارکت‌پذیری، خصوصی‌سازی و تعاملات جهانی به عنوان نشانه‌های مرکزی این گفتمان یاد کرد.



شکل ۱- گفتمان-ایدئولوژی آموزش و پرورش در دولت اعتدال

بحث و نتیجه‌گیری

ویژگی بارز نظام آموزش و پرورش در ایران پس از انقلاب، عدم تلاش برای گریز از الصاق برچسب ایدئولوژیک است. این نظام همان‌گونه که رضایی (۱۳۸۷) عنوان نموده؛ به دنبال پنهان کردن امور مصنوع خود در لفافه نیست. چه‌بسا ایدئولوژیک بودن یا به‌عبارت‌دیگر تلاش عقیدتی (ایدئولوژیک) برای ساختن انسان‌های موردنظر را از ممیزات خود برمی‌شمارد.

تغییر و تحول خرده‌گفتمان‌ها در درون ابرگفتمان جمهوری اسلامی در طول زمان صورت گرفته و در ادوار و دولت‌های پس از انقلاب، این خرده‌گفتمان‌ها در اشکال و رویکردهای متفاوت حیات و تکامل یافته‌اند. هر یک از این خرده‌گفتمان‌ها، بر کانون‌ها، دقایق و عناصر خاصی ابتناء یافته و مفاهیم کانونی و کلیدی را در بستر گفتمانی خود بازتعریف کرده و بر تعبیر و تفسیر خود از این دال‌ها و مفاهیم و چگونگی مفصل‌بندی آن‌ها پافشاری کردند. این تغییر و تحول گفتمانی طبق نظریه گفتمان لاکلائو و موفه در اثر تنازع گفتمانی بین خرده‌گفتمان‌ها در میدان گفتمانی روی داده است. در تحلیل صورت گرفته، تغییرات گفتمانی در فضای سیاسی به‌خوبی نمایان گردید. از جهتی دال‌ها و نشانگان جدیدی در فضای گفتمان سیاسی شکل گرفته بودند و از جهت دیگر، دال‌های شناور به شیوه‌ی جدیدی تعریف می‌شدند که نشان از ناسازگاری‌های گفتمانی داشت.

طراحی مکانیسم‌های مبتنی بر «رقابت تنظیم شده» در نظام آموزشی با محوریت نگاه به آموزش و پرورش به‌عنوان بازاری جوساز در تعالیم جدید علم اقتصاد از اصول این دوره مدیریت در آموزش و پرورش بوده است (الهیار ترکمن و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹). استقلال‌طلبی تعاملی، تأکید بر خودکفایی، سلطه‌ستیزی نرم، اولویت قرار دادن حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، صدور انقلاب اسلامی از طریق الگوسازی اقتصادی و... شاخصه‌های گفتمانی دولت اعتدال است که به مدد آن‌ها و با تأکید بر واژگان؛ تعاملات، مردم، امنیت، رفاه، امید و... به ضدیت‌سازی و فاصله‌گیری از گفتمان دولت احمدی‌نژاد - سنت‌گرایی ایدئولوژیک اسلامی - مبادرت ورزید. بر اساس نتایج حاصله از این پژوهش، می‌توان اذعان نمود؛ دولت اعتدال در طی مدیریت اجرایی خود، بر اساس تفسیر خویش از اسناد بالادستی و سیاست‌گذاری‌های ناظر بر حوزه آموزش و پرورش به‌عنوان زیر مجموعه حوزه فرهنگ، تلاش برای کنترل، نظارت و اعمال

71.....بازنمایی گفتمان-ایدئولوژی دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش

دخالت‌هایی در این حوزه داشته است و در موارد بسیاری با تصمیم‌سازی و تأثیرگذاری مستقیم بر فرایند تصویب قوانین و همچنین تولید محتوا و اصلاح متون کتب درسی و تطبیق آن با شاخصه‌ها، اهداف و رویکردهای گفتمانی خود، در پی تحول گفتمان فرهنگی-آموزشی موجود و بازنمایی نشانگان گفتمان غالب از طریق نظام تعلیم و تربیت بوده است. جهت اصلی حرکت نظام آموزش و پرورش در قالب گفتمان-ایدئولوژی دولت اعتدال، تغییر نظام آموزشی کنونی از طریق بازنگری و بازمهندسی ساختارها، رویه‌ها و روش‌ها در جهت دستیابی به اهداف سند تحول بنیادین است.

رویکرد گفتمان غالب، کاهش حجم تصدی‌گری دولت، تقویت سازوکارهای مشارکت عمومی-خصوصی و تربیت شهروندانی قانون‌مند، مسئولیت‌پذیر، کارآفرین و دین‌دار است. دولت اعتدال با حفظ خطوط کلی^۱ یعنی دال مرکزی "اسلام‌گرایی" بر عناصری تأکید می‌کند که به‌طور کاملاً تکنوکراتیک فضا را برای تنفس دقیقه‌های گفتمانی لیبرال هموار می‌کند و با تأکید بر مهارت‌آموزی، حقوق شهروندی، قانون‌مداری، مشارکت‌پذیری، تعامل‌گرایی، تمرکزگرایی، نخبه‌گرایی شایسته‌سالارانه، خلاقیت محوری و کارآفرینی و... در کتب درسی و اسناد بالادستی در الگوی نمونه مثالی لیبرال دموکرات اسلامی حرکت می‌کند و در چنین فضایی، خواستار تعامل با جهان در چهارچوب نظم نوین جهانی است و عناصر گفتمانی لیبرال دموکرات را در بعد گفتمان کلان انقلاب اسلامی وایینی می‌کند و سوژه بازآفرینی شده‌ای می‌خواهد که از یک‌طرف به بنیادهای گفتمانی اسلام وفادار است و از سوی دیگر این سوژه ایدئولوژیکِ مدرسه، جهانی فکر می‌کند و محلی عمل می‌کند تا از تعارض و تنش‌های گفتمانی نظم نوین جهانی در امان باشد.

سوژه بازآفرینی شده دولت اعتدال نگاه این جهانی به دنیای پیرامون خود دارد و سوژه ساختار نظام جهانی است درعین حال به فرهنگ سنتی خود نیز تکیه دارد و به پیوند گفتمانی نظام اسلامی و لیبرالی باور دارد. همچنین می‌توان اذعان نمود؛ که نهاد قدرت و گفتمان-ایدئولوژی غالب در این دوره با به خدمت گرفتن نظام آموزش و پرورش، سعی نموده است تا اهداف ایدئولوژیک خود، را به پیش برده،

¹ - Main Stream

۷۲... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

هنجارها و انتظارات اجتماعی - اقتصادی مطبوع خویش را به دانش‌آموزان منتقل نماید و به جامعه‌پذیری هدفمند شهروندان، مطابق آرمان‌های ایدئولوژیک خود بپردازد، از این رو، بر اساس یافته‌های این تحقیق، آموزش و پرورش، نه تنها از لحاظ سیاسی بی‌طرف نبوده، بلکه با آن هم‌سوئی داشته است. بر اساس این مستندات، وجود نوعی رابطه‌ی دینامیک میان گفتمان - ایدئولوژی غالب و آموزش و پرورش کاملاً محسوس است و در نهایت؛ اگرچه آموزش و پرورش عرصه فرهنگ است ولی متناسب با رویکرد تحلیل گفتمان، هر امری گفتمانی است و هر گفتمانی سیاسی است، لذا گفتمان دولت اعتدال در نظام تعلیم و تربیت به دنبال بازآفرینی سوژه‌های لیبرال دین‌دار است.

منابع

- آقاگل‌زاده، ف. (۱۳۹۴). *تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی*، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- الهیاری ترکمن، ع. و همکاران. (۱۳۹۸). *دست‌نامه برنامه‌ریزی و توسعه منابع در آموزش و پرورش*، کرج: انتشارات گردوی دانش.
- امینی، س. (۱۳۹۷). *تحول گفتمان مجمع روحانیون مبارز در جامعه پسا انقلابی ایران*، تهران: انتشارات کویر.
- بشیری، ع. (۱۳۹۳). *گفتمان اعتدال: گذری بر آرا و اندیشه‌های دکتر حسن روحانی*، تهران: انتشارات تیسرا.
- بشیری، ح. (۱۳۸۱). *دیپلاچهای بر جامعه‌شناسی ایران*، تهران: نگاه معاصر.
- بیژنی، م و همکاران. (۱۳۸۰). *جایگاه مشروعیت قانونی در گفتمان‌های سیاسی رسمی نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۶-۱۳۸۵)*، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۶.
- پاک مهر، ح و همکاران. (۱۳۹۶). *ماهیت گفتمان سازی آموزه‌های انقلاب اسلامی و ویژگی‌های آن در برنامه درسی نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۳، شماره پیاپی ۴، صص ۴۰-۷.
- پورعلی، س و فیرحی، د. (۱۳۹۴). *تحلیل گفتمانی سیاست‌گذاری فرهنگی دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش عالی*، فصلنامه علمی-پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۶۹-۱۳۵.
- حامدی، ز. (۱۳۸۸). *مبانی ایدئولوژی حاکمیت و تأثیر آن بر متون و مواد درسی در عصر پهلوی اول*، پایان‌نامه دکتری در رشته تاریخ ایران اسلامی، دانشکده ادبیات، زبان‌ها و تاریخ، دانشگاه الزهرا (س).
- دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۷). *زیرنظام راهبری و مدیریت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*، مصوب نهم و چهارم و هشتمین جلسه شورای عالی آموزش و پرورش.

73..... بازنمایی گفتمان-ایدئولوژی دولت اعتدال در نظام آموزش و پرورش

- رادفر، ف. (۱۳۹۵). تحول فرهنگ سیاسی ایرانیان در نظام جمهوری اسلامی ایران، پایان نامه دکتری علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- رضایی، م. (۱۳۸۷). ناسازدهای گفتمان مدرسه، تحلیلی از زندگی روزمره دانش آموزی، تهران: انتشارات جامعه و فرهنگ، چاپ دوم.
- روحانی، ح. (۱۳۹۶). دوباره ایران، برنامه دولت دوازدهم.
- زکریایی، م. ع. (۱۳۸۰). تحلیل جامعه شناختی مواضع جناح‌های سیاسی نسبت به جامعه مدنی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- زهیری، ع. ر. (۱۳۹۵). رابطه گفتمان‌های سیاسی سازندگی، اصلاحات و اصول‌گرایی با شکل‌گیری سیاست هویت در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه جهت اخذ درجه دکتری، رشته علوم سیاسی، دانشگاه باقر العلوم (ع)، دانشکده علوم سیاسی، تاریخ و علوم اجتماعی.
- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. (۱۳۹۵). جامعه‌شناسی (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- ساعی، ع. و قاراخانی، م و مومنی، ف. (۱۳۹۰). دولت و سیاست آموزش در ایران از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ ش، فصل‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۵۶، صص ۱۱۷-۱۶۸.
- سرایبی، ح. (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، تهران: انتشارات سمت، چاپ هشتم.
- سلطانی، ع. ا. (۱۳۹۶). قدرت، گفتمان و زبان (ساز و کارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)، تهران: نشر نی، چاپ پنجم.
- ظریفی‌نیا، ح. ر. (۱۳۷۸). کالبدشکافی جناح‌های سیاسی ایران ۱۳۶۸-۱۳۸۵، تهران: انتشارات آزادی اندیشه، چاپ دوم.
- عقیلی، س و حقیقت، ا. ل. (۱۳۸۹). کاربرد روش تحقیق گفتمان در علوم رفتاری، دانشنامه، دوره ۴، ۳، صص ۱۹۴-۱۶۹.
- فوقانی، م. م. (۱۳۸۲). راه دراز گلداز: بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- قریشی، ف؛ علیزاده اقدم، م. ب و زایر کعبه، ر. (۱۳۹۶). تحول گفتمان عدالت در ایران: مطالعه موردی دولت‌های محمود احمدی‌نژاد و حسن روحانی، دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال ششم، شماره دوم، صص ۱۸۰-۱۳۳.
- کلاتری، ص و همکاران. (۱۳۸۸). تحلیل گفتمان: با تأکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی، جامعه‌شناسی، سال اول، شماره: چهارم، صص ۲۸-۷.
- محسنی تبریزی، ع. ر. (۱۳۹۵). روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری، تهران: انتشارات اطلاعات.
- میرزایی، خ. (۱۳۹۵). کیفی پژوهی: پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه نویسی، تهران: فوژان، جلد دوم.

۷۴... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال پانزدهم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۰

نسیمی پور، ف. (۱۳۹۰). *از حدود تا هژمونیک شدن گفتمان اصلاحات*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشگاه رازی، دانشکده علوم اجتماعی.

نیک‌نشان، ش. (۱۳۹۱). *بررسی عرصه‌های حضور ایدئولوژی بر تعلیم و تربیت با تأکید بر آموزش و پرورش معاصر ایران*، پایان‌نامه دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه اصفهان، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه علوم تربیتی. نیک‌نشان، ش؛ پاک‌سرشت، م. ج و لیاقت‌دار، م. ج. (۱۳۹۵). *آسیب‌شناسی گفتمان تربیت دینی در نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران*، دوفصلنامه فلسفه تربیت، سال اول، شماره ۱، صص ۱۴۱-۱۶۴.

یورگنسن، م و فیلیس، ل. (۱۳۸۹). *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشرنی.

Blommaert, J. (2005). *Discourse/A Critical Introduction*. Cambridge, Cambridge University Press.

Fairclough, N. (1989). *Language and Power*, London: Longman.

Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*, Cambridge: Polity.

Zarif, M. J. (2014). *What Iran Really Wants: Iranian Foreign Policy in the Rouhani Era*, Foreign Affairs, 1-11.